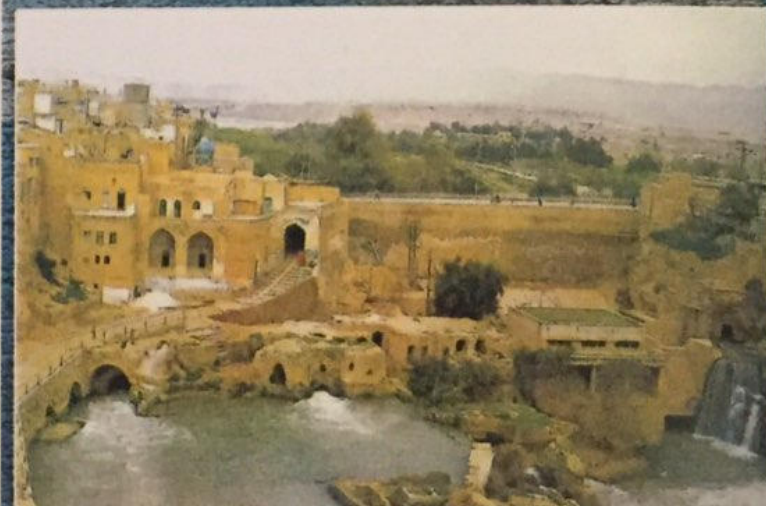
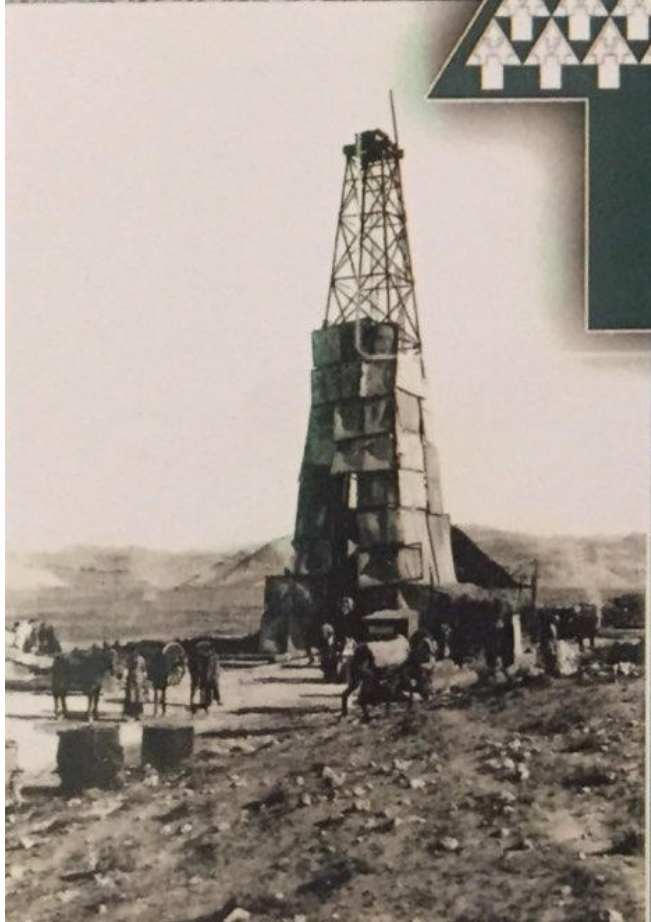


برخی شیوه های عملیاتی برای تحقق پذیر نمودن اهداف توسعه صنعتی کشور در راستای سند چشم انداز ۱۴۰۴



برخی شیوه های عملیاتی برای تحقق پذیر نمودن اهداف توسعه صنعتی کشور
در راستای سند چشم انداز ۱۴۰۴

ملهه از سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی و سیاست های کلی برنامه چهارم توسعه (ابلاغیه مقام معظم رهبری در آذر ماه ۱۳۸۲) در این مقاله کوتاه سعی می شود تا به برخی دیدگاههای عملیاتی در راه توسعه صنعتی کشور اشاره شود.

همانگونه که در جدول شاخص های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی برنامه پنجساله چهارم توسعه ملاحظه می شود، رشد سالانه تولید ناخالص داخلی، سرمایه گذاری و تورم به ترتیب ۸، ۱۲/۲ و ۹/۹ درصد است.

شاخصهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی برنامه چهارم توسعه

شاخص	رشد متوسط ۸۰-۱۳۷۰	رشد متوسط ۸۸-۱۳۸۴
رشد تولید ناخالص داخلی (%)	۳/۹	۸
رشد تولید ناخالص داخلی سرانه (%)	۲/۴	۶/۶
رشد سرمایه گذاری (%)	۴/۳	۱۲/۲
رشد جمعیت (%)	۱/۵	۱/۴
رشد بهره وری نیروی کار (%)	۱/۳	۳/۵
رشد جمعیت بیکار (%)	۴/۷	-۴/۲
رشد صادرات غیر نفتی (%)	۵/۶	۱۰/۷
رشد نقدینگی (%)	۲۷/۳	۲۰/۰
نرخ تورم (%)	۲۳/۰	۹/۹

برای رسیدن به شاخص های کاملاً ضروری و اجتناب ناپذیر مورد اشاره در فوق، به لحاظ پاسخگویی به اشتغال، ارتقاء درآمد سرانه و تقلیل تورم که ویرانگر هرگونه

برنامه ریزی است، برسم اقدامات اساسی و برابر تجارب بیش از نیم قرن برنامه ریزی و تلاش های صورت پذیرفته در راه صنعتی نمودن کشور، ضروری است که استراتژی مدون توسعه صنعتی و برخی فرآیندهای محوری آن مورد توجه دست اندرکاران، برنامه ریزان و سیاستگذاران صنعتی کشور قرار گیرد.

استراتژی یعنی راهبری نیروها به سوی هدف کلی و غائی

در سال ۱۹۹۴، چشم انداز استراتژی صنعتی اتحادیه اروپا (EU) تحت عنوان "بازگشت به رشد، اشتغال و همگرایی" منتشر گردید.

دولت فعلی ایالات متحده نیز پس از سالهای متمادی مقاومت کنگره نمایندگان و سنای آن کشور در برابر طرح موضوع استراتژی یا سیاست صنعتی، آشکارا از لزوم داشتن سیاست صنعتی در کشور سخن به میان آورده است.

در اقتصادهای ژاپن، کره، مالزی، سنگاپور، تایوان، هنگ کنگ، تایلند و اندونزی در خاور دور و همچنین در کشورهای جنوب آسیا مانند هند و پاکستان، همواره استراتژیهای صنعتی فعالی وجود داشته که در راهبری فعالیت های اقتصادی و صنعتی آن کشورها موثر و کارآمد بوده اند. در واقع امروزه کمتر می توان کشوری را در جهان پیدا کرد که به موفقیت هایی در زمینه توسعه اقتصادی و صنعتی دست یافته باشد ولی فاقد نوعی استراتژی صنعتی یا سیاست صنعتی از پیش تنظیم شده بوده باشد.

در ایران طی سالهای قبل از دهه ۱۳۸۰، ضرورت طرح استراتژی صنعتی هرگز به طور جدی و بایسته در دستور کار سیاسی کشور قرار نداشته است. در آن سالها سیاستهای صنعتی ایران غالباً واکنشی و مداخله گرا بود. این سیاستها به دلیل اقتضایی بودن عمدتاً سیاستهایی ناسازگار و فاقد عناصری بوده اند که بتوان آنها را به عنوان "استراتژی صنعتی" طبقه بندی کرد.

دوران برنامه اول توسعه (۱۳۶۸ - ۱۳۷۲) و برنامه دوم توسعه (۱۳۷۴ - ۱۳۷۸) از نقطه نظر توسعه صنعتی دارای ویژگیهای خاصی هستند. برنامه اول آشکارا بر توسعه صنایع سنگین (صنایع واسطه ای و سرمایه ای) تأکید نمود ولی سیاستها و عملکردهای بخش صنعت در

مغایرت کامل با آن بود و آنچه عملاً تحقق پذیرفت، تخصیص منابع در اختیار بخش صنعت به واحدهای کوچک تولیدکننده کالاهای مصرفی بود.

برنامه دوم توسعه هم در چارچوب اولویت صنایع کوچک و دستی تنظیم گردید. چنانچه درجه تمایل به سرمایه گذاری در صنعت در حد سالهای برنامه های اول و دوم توسعه باقی می ماند و منابع نهادی و بانکی نیز در اختیار صنعت قرار نمی گرفت، همین شرایط به نسبت مساعد فعلی هم برای رشد صنعتی حاصل نمی شد.

هدف "سیاست صنعتی" معمولاً موارد زیر را در بردارد:

- کاهش اختلالها و رفع نقائص بازار

- تشویق نوآوریهای تکنولوژیکی

- تسهیل تعدیلهای و اصلاحات ساختاری

- توسعه رشته های خاصی از تولید صنعتی اولویت دار

تحقق هر یک از هدفهای "سیاست صنعتی" را باید در بستر چشم انداز میان مدت و بلند مدت توسعه اقتصادی و صنعتی کشور جستجو نمود که توسط کارگزاران و فعالان بخش صنعت ترسیم می گردد. در این راستا می توان گفت که تصویر میان مدت بخش صنعت در یک دوره پنج ساله در ماده ۲۱ قانون برنامه چهارم توسعه به شرح زیر آمده است و تصویر بلند مدت بخش صنعت هم در سند استراتژی توسعه صنعتی جمهوری اسلامی ایران که اکنون ویرایش اول آن در مهلت پیش بینی شده در قانون آمده می باشد، مورد لحاظ قرار گرفته است.

ماده ۲۱ قانون برنامه چهارم توسعه

دولت موظف است سند ملی توسعه بخشهای صنعت و معدن را با توجه به مطالعات استراتژی توسعه صنعتی کشور، ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون با محوریت توسعه رقابت پذیری مبتنی بر توسعه فناوری و در جهت تحقق هدف رشد تولید صنعتی و معدنی متوسط سالانه یازده و دو دهم درصد (۱۱/۲٪) و رشد متوسط سرمایه گذاری صنعتی و معدنی شانزده و نه دهم درصد (۱۶/۹٪) بگونه ای که سهم بخش صنعت و معدن از تولید ناخالص داخلی از چهارده درصد (۱۴٪) در سال ۱۳۸۳ به شانزده و دو

دهم درصد (۱۶/۲٪) در سال ۱۳۸۸ و صادرات صنعتی از رشد متوسط سالانه چهارده و هشت دهم درصد (۱۴/۸٪) برخوردار گردد تهیه و محورهای ذیل را به اجرا درآورد:

الف: توسعه قابلیت‌های فناوری و ایجاد شرایط بهره مندی از جریانهای سرریز فناوری در جهان و تأکید ویژه بر حوزه های دارای توان توسعه ای بالا در صنایع نوین
ب: تقویت مزیت‌های رقابتی و توسعه صنایع مبتنی بر منابع (صنایع انرژی بر، صنایع معدنی، صنایع پتروشیمی، صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی و زنجیره های پایین دستی آنها)
ج: اصلاح و تقویت نهادهای پشتیبانی کننده توسعه کارآفرینی و صنایع کوچک و متوسط

د: بهبود و گسترش سیستمهای اطلاع رسانی، توسعه و گسترش پایگاههای داده های علوم زمین به منظور دسترسی سرمایه گذاران و کارآفرینان به اطلاعات مورد نیاز توسط دولت
ه: گسترش تولید صادرات گرا در چارچوب سیاستهای بازرگانی کشور
و: برای تجهیز منابع لازم در توسعه صنعتی و معدنی:

۱- دولت مکلف است در طول سالهای برنامه سرمایه بانک صنعت و معدن را متناسباً برابر سقف مصوب اساسنامه افزایش دهد.

۲- استفاده از علوم و فناوریهای نوین در کلیه زمینه های معدنی از قبیل اکتشاف، استخراج، فرآوری مواد معدنی و صنایع معدنی، دولت مکلف است زمینه حضور سرمایه گذاران خارجی را در امور فوق فراهم آورد.

۳- تقویت شرکتهای مادر تخصصی توسعه ای در جهت توسعه بخش غیردولتی با استفاده از منابع عمومی، خارجی و منابع ناشی از فروش سهام شرکتهای زیرمجموعه و عرضه سهام شرکتهای مادر تخصصی در بازار بورس تا سقف چهل و نه درصد (۴۹٪) به استثنای موارد مذکور در صدر اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۴- در جهت ایجاد ارزش افزوده بیشتر و استفاده از منابع گاز در توسعه صنعتی و معدنی، به دولت اجازه داده می شود با رعایت سقفهای مصوب ماده (۱۳) برنامه تا

مبلغ نه میلیارد (۹۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) دلار در جهت ایجاد صنایع انرژی بر و صنایع دارای مزیت نسبی با هدف صادراتی تعهد و تأمین نماید.

۵. تأمین زیربناهای لازم در معادن بزرگ و مناطق معدنی توسط دولت.
۶. اصلاح اساسنامه صندوق بیمه فعالیتهای معدنی و صندوق حمایت از توسعه و تحقیقات صنعت الکترونیک در جهت تقویت و توسعه نهادهای پوشش دهنده مخاطرات سرمایه گذاری بخش خصوصی در زمینه اکتشافات مواد معدنی و سرمایه گذاری خطرپذیر در صنایع نوین.

با این اوصاف، اکنون به برخی مطالعات و تجربیاتی که می تواند ما را برسم الگو در توفیق ماده ۲۱ قانون برنامه چهارم توسعه و تحقق پذیر شدن اهداف سند ملی استراتژی توسعه صنعتی کشور کمک نماید اشاره می گردد:

- آزادسازی اقتصادی و توسعه صنعتی هند (سفر به هند ۲۰ تا ۲۷ نوامبر ۱۹۹۶)
- استفاده از گاز طبیعی در الگوی مصرف انرژی کشور
- ضرورت تدوین استراتژی ملی انرژی
- بنیان نهادن و تکمیل صنایعی که اقدامات زیربنایی انجام شده در کشور را از قوه به فعل برساند و موجب تحقق رشد اقتصادی هشت درصد را طی برنامه پنجساله چهارم امکان پذیر نماید.
- شکل گزایی و مشارکت در نظام تصمیم گیری صنعتی کشور

آزاد سازی اقتصادی و توسعه صنعتی هند

کشور هند از سال ۱۹۹۱ پس از تقریباً چهل و پنج سال تجربه غیرمولد در زمینه ایجاد صنایع سنگین و تولید کالاهای جانشین واردات، به توسعه صنعت برای تولید کالاهای صادراتی روی آورده است. در حالیکه فقط ۱۰ درصد سرمایه گذاریهای جدید به بخش کشاورزی اختصاص یافته است، سهم صنعت برابر ۵۰ درصد کل سرمایه گذاریها بوده است. بخش صنعت حوزه اصلی اجراء و اعمال سیاستهای آزادسازی اقتصادی اعلام شده است و تغییرات زیر با هدف تشویق سرمایه گذاریها، افزایش تولید و افزایش صادرات صنعتی در این بخش تحقق یافته است.

۱. محدود کردن صنایع انحصاری دولت فقط به شش رشته شامل صنایع دفاعی - انرژی اتمی - ذغال سنگ - نفت - راه آهن - و معادن مربوط به انرژی اتمی در این رشته ها نیز دولت به طور موردی فعالیت و مشارکت بخش خصوصی را به رسمیت شناخته است.
۲. تشویق جدی مشارکت بخش خصوصی در امور زیربنایی مانند انرژی، جاده سازی، مخابرات، بندر و کشتی سازی، هوانوردی و احداث فرودگاهها.
۳. خصوصی سازی بخشهایی از فعالیت ها و خدمات دولتی به منظور افزایش کارایی و ایجاد رقابت.
۴. جذب و نگهداری سرمایه های خارجی با انتخاب ۳۵ رشته صنایع دارای اولویت و آزادگذاری انعقاد قرارداد ورود تکنولوژی و سرمایه بدون دخالت ارگانهای دولتی، همچنین آزادی مالکیت سهام به سرمایه گذار خارجی تا حد ۵۱ درصد بدون ضرورت تصویب مقامات دولتی و تا ۱۰۰ درصد با کسب مجوز دولت هند با این سیاست خود سه هدف تأمین ارز سرمایه گذاریهای جدید، انتقال تکنولوژی و استفاده از نفوذ و تجربه سرمایه گذار خارجی برای رسوخ به بازارهای جهانی را تعقیب می کند.

ارقام زیر موفقیت این سیاستها را در رشد تولیدات صنعتی هند در سال ۱۹۹۵ در

مقایسه با سال ۱۹۹۱ نشان می دهد:

<u>۱۹۹۵</u>	<u>۱۹۹۱</u>	
۱۳/۳	۶/۲	کالاهای اساسی صنعتی
۱۷/۶	-۱۲/۸	کالاهای سرمایه ای
۱۰/۴	-۰/۷	کالاهای واسطه ای
۱۲/۳	-۱/۸	کالاهای مصرفی
۱۳/۱	-۲	کل بخش صنعت

استفاده از گاز طبیعی در الگوی مصرف انرژی کشور

امروزه استفاده بهینه از انرژی یکی از عوامل مهم در رشد و توسعه اقتصادی کشورهاست. چگونگی استفاده از حاملهای انرژی و شیوه عرضه آن در برنامه ها و روند توسعه کشور نقش اساسی دارد. در ایران به دلیل مزیت نسبی اقتصادی انرژی در تولید کالاها و نقش نفت خام در موازنه ارزی کشور، شیوه بهره گیری منطقی از منابع انرژی در برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی امری حیاتی به شمار میرود. آمارها نشان می دهد که مصرف انرژی در کشور در سنوات اخیر همچنان از رشد فزاینده ای برخوردار بوده است.

عوامل متعددی در رشد و افزایش بی رویه مصرف انرژی در ایران دخالت داشته اند که از مهمترین آنها می توان به عدم تناسب نرخ فروش انرژی با افزایش سطح عمومی قیمت ها در دو دهه اخیر اشاره نمود بطوریکه این امر نهایتاً موجب عدم صرفه جویی و عدم استفاده بهینه در مصرف انرژی، پایین آمدن کارآیی انرژی و عدم تخصیص بهینه منابع انرژی کشور گردیده است. در واقع نظام قیمت گذاری حاملهای انرژی به صورتی نبوده است که در آن صرفه و صلاح اقتصادی رعایت شده باشد.

از سویی تحولات ساختاری و تکنولوژیکی در اقتصاد جهانی و نیز در بخش انرژی از جمله تنوع بخشیدن به منابع تأمین انرژی، امنیت عرضه، رشد فزاینده مصرف انرژی در افق های بلند مدت در کشورهای در حال توسعه، نگرانی نسبت به آلودگیهای زیست محیطی، افزایش سریع محصولات گوناگون پتروشیمیایی و موارد عدیده دیگر، گاز را به منزله یک منبع انرژی ممتاز و بی مانند در عرصه اقتصاد جهانی مطرح کرده است. میزان ذخائر گاز طبیعی در جهان در سال ۱۹۹۶ حدود ۱۴۴/۷ تریلیون متر مکعب برآورد گردیده که ۲۴/۳ تریلیون متر مکعب آن متعلق به جمهوری اسلامی ایران می باشد. (۱۶/۸ درصد کل جهان)

بنابراین یکی از منابع مهم تأمین کننده انرژی کشور، گاز طبیعی است و چنین پیداست که در سده بیست و یکم میلادی گاز نقش مهم و فزاینده ای خواهد داشت. در این راستا تحقق هدفهای استفاده گسترده تر از گاز طبیعی در مصارف انرژی داخلی، اجرای طرحهای صیانتی تزریق گاز در میادین نفتی و عهده دار شدن نقش و سهم منطقی گاز در بازارهای صادراتی مستلزم برنامه ریزی و مطالعات جامع در این زمینه می باشد.

با توجه به وجود ذخائر غنی گاز در کشور، ما می توانیم طی یک برنامه پنجساله (برنامه پنجساله چهارم) با توسعه منابع گازی و تبدیل ذخائر گازی به منابع قابل بهره برداری، هرچه بیشتر گاز طبیعی را در بخشهای مختلف خانگی، تجاری، صنعتی و نیروگاهها جایگزین فرآورده های نفتی خصوصاً فرآورده های نفتی میان تقطیر نمایم. در این صورت طی یک برنامه میان مدت ایران می تواند به یکی از کشورهای مهم صادرکننده گاز و فرآورده های پتروشیمیایی حاصل از پالایش گاز تبدیل شود. اما از آنجایی که اجرای طرحهای زیربنایی در بخش گاز نیاز به منابع عظیم مالی دارد، لذا تحقق این هدف منوط به جلب سرمایه گذاری خارجی است. از همین روی گسترش همکاریهای بین المللی و منطقه ای از جمله شرایط اساسی توفیق در اجرای برنامه های تولید، پالایش و توزیع گاز طبیعی می باشد.

جایگزینی گاز طبیعی با سایر حاملهای انرژی همچنین می تواند زمینه مناسبی برای سرمایه گذاری و ایجاد اشتغال در کشور باشد. برابر تجارب بدست آمده طی برنامه سوم، دولت با واگذاری اعتبارهای لازم و سوبسید نمودن بهره و امها قدمهای مؤثری را در امر جایگزینی گاز طبیعی با سایر فرآورده ها و بهینه سازی انرژی برداشته است که تداوم این راه اقتصاد ساز موجبات افزایش اشتغال و ارتقاء درآمد ملی و رفاه اجتماعی را دربردارد. در صورتیکه سرمایه گذاری در بخش گاز فشرده (CNG) برای استفاده در وسائط نقلیه به میزان مورد نیاز طی پنجسال آینده انجام پذیرد تعداد قابل ملاحظه ای از وسائط نقلیه بجای بنزین و نفت گاز، مصرف کننده گاز طبیعی خواهند شد. در این صورت سهم گاز نسبت به مصارف هیدروکربوری در کشور به مراتب بیش از ۰.۵۰ سهم فعلی در انرژی کشور افزایش خواهد یافت.

ضرورت تدوین استراتژی ملی انرژی

امکانات ارتقاء درآمد ملی در تدوین استراتژی ملی انرژی بسیار تعیین کننده و چشم گیر برآورد می شود که از این ممر امکان هرگونه سرمایه گذاری برای حل مشکل اشتغال و صنعتی نمودن کشور میسر می گردد که اکنون به برخی از سیاستها و خط مشی هایی که لازم است در این استراتژی مورد توجه قرار گیرند، اشاره می گردد:

- ۱- افزایش سهم گاز طبیعی و کاهش سهم فرآورده های نفتی در کل سبد انرژی مصرفی کشور
- ۲- ایجاد و توسعه پالایشگاههای میعانات گازی
- ۳- بهبود الگوی پالایش نفت خام (افزایش سهم میان تقطیر و کاهش سهم مواد سنگین)
- ۴- توسعه شبکه جمع آوری و استفاده مطلوب از گازهای همراه و جلوگیری از سوزاندن آنها
- ۵- بازنگری در صنعت نفت و گاز کشور و انطباق آن با شرایط جدید فنی، اقتصادی و تجاری در سطح بین المللی
- ۶- با توجه به موقعیت ایران در منطقه باید سعی شود که ایران در آینده به صورت مرکزی برای انتقال و ترانزیت تولید فرآورده ها و صادرات انرژی به جهان درآید و با ایجاد خطوط انتقال گاز و نفت خام و فرآورده ها و ایجاد پایانه های واردات و صادرات انرژی و حتی احداث پالایشگاههای نفت و گاز، خدمات مختلف در زمینه انرژی را به کشورهای منطقه و خارج از منطقه ارائه دهد.
- ۷- ارتقاء کارآیی راه آهن در حمل و نقل فرآورده های نفت و گاز مایع
- ۸- اصلاح نظام قیمت ها و تعرفه ها
- ۹- استفاده حتی المقدور از سوخت سنگین در پالایشگاهها و نیروگاهها
- ۱۰- حمایتهای مالی و تشویقی دولت از سازندگان وسایل گازسوز که ضمن اشاعه فرهنگ صرفه جویی انرژی از طریق استفاده از گاز طبیعی باعث تحول بنیادی در این صنعت گردیده و زمینه برای صادرات وسایل گازسوز به خارج از کشور و کسب درآمد ارزی هموار می شود.
- ۱۱- با حمایت دولت زمینه همکاری و مشارکت بخش خصوصی ایران با شرکتهای خارجی در زمینه اجرای طرحهای مهم و عمده فراهم می شود.
- ۱۲- حذف یارانه بخش انرژی

در خاتمه این بخش به مطالعات و برآوردهای بانک جهانی اشاره می‌گردد تا اهمیت رعایت استراتژیهای مدون در بخش انرژی و تأثیر به سزای آن در درآمدهای ملی کشور مشخص گردد.

مطالعات بانک جهانی نشان می‌دهد که ایران در حال حاضر نرخ بیکاری بالایی^۱ در حدود ۱۶ درصد^۲ را تجربه می‌کند و از آن نگران‌کننده‌تر، رشد انفجاری نیروی کار ناشی از رشد مولید کنترل نشده در اوایل دهه ۱۳۶۰ می‌باشد که در حال حاضر به پنج درصد در سال رسیده است. حتی پس از گذر این موج نیروی انسانی، رشد نیروی کار در ایران به دلیل افزایش سهم مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی در همین سطح باقی خواهد ماند.

برای تامین نیازهای جویندگان کار جدید و کاهش نرخ بیکاری باید میزان رشد اقتصادی حداقل ۸ درصد در سال را ایجاد نمود^۳ این نرخ رشد در قالب برنامه پنجساله چهارم نیز به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است^۴ که این امر سرمایه‌گذاری بالاتری در بخش‌های اقتصادی در حد ۱۰ درصد هزینه ناخالص ملی را طلب می‌نماید. این سرمایه‌گذاری فقط از طریق بخش خصوصی است که می‌تواند این حجم از بازار کار و رشد اقتصادی را فراهم نماید. بخش‌های دولتی و شبه دولتی به دلیل مازاد نیروی کار ناشی از سیاست‌های قبلی، توان تولید سرمایه و قدرت رشد و افزایش بازار کار را از دست داده‌اند.

مطالعات بانک جهانی حاکی از آن است که ایران باید ده درصد کاهش هزینه برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی را از طریق مدیریت بهتر و موثرتر درآمدهای نفتی خود تامین نماید. زیرا منابع نفتی پایان پذیر بوده و ایران باید قسمتی از این درآمدها را به صورت منابع مالی و تولیدی ذخیره نماید به نحوی که بخش تولیدی غیر نفتی کشور را تقویت نموده و باعث رشد اقتصادی و گسترش بازار کار شود. قابل قبول‌ترین روش برای این امر کاهش سوبسیدهای انرژی می‌باشد. تصادفاً سوبسید انرژی در ایران حدود ۱۰ درصد تولید ناخالص ملی است که توزیع آن هم بسیار نامناسب و زیانبار است. دولت در توزیع غیر مستقیم یارانه انرژی سبب بهره‌مندی افراد غنی به میزان ۱۲ برابر افراد فقیر

گردیده است که سرمایه گذاری صحیح آن با ایجاد رشد اقتصادی و توسعه بازار کار مناسب می توانست به قشر کم درآمد کمک بسیار نماید.

بنابراین، ایران دو تحول عمده را در پیش رو دارد: اول تحول از یک اقتصاد دولتی به یک اقتصاد به رهبری بخش خصوصی و دوم تبدیل از یک اقتصاد مبتنی بر منابع نفتی به یک اقتصاد متنوع غیر نفتی است. البته باید توجه داشت که جایگاه ایران برای شروع این تغییرات بسیار مناسب می باشد. ایران از زیر ساختارهای کلی مستحکمی برخوردار بوده، بدهی خارجی نداشته و منابع مالی داخلی آن که در مصارف نابجا و نامناسب مصرف می شوند برای هزینه های اصلاحات اقتصادی آن کافی می باشد. علاوه بر این مدیریت مناسب و موثر درآمد های نفتی نیز می تواند بصورت مضاعف قابلیت فوق را بهبود بخشد. برآوردهای بانک جهانی همچنین نشان می دهد که رسانیدن فوری قیمت انرژی به قیمت متوسط جهانی در کوتاه مدت، فقط $30/5$ درصد افزایش عمومی قیمت ها را سبب می گردد ولی انجام بتدریج این کار در بلند مدت می تواند تاثیر بسیار بیشتری بر افزایش عمومی قیمت ها داشته باشد. به علاوه انجام فوری این کار سبب بهبود رفتار مصرفی و افزایش درآمد ناشی از صرفه جوئی می گردد ولی در بلند مدت این مزیت اصولاً وجود نخواهد داشت. در این راستا ضرورت دارد که سیاستگذاران اثرات هر یک از دو روش (تدریجی و آنی) تغییر قیمت انرژی را به دقت بررسی نموده و تصمیم مناسب را اتخاذ کنند. به هر حال داشتن برنامه مدون برای کنترل اثرات سوء این تغییر و استفاده از نتایج مثبت آن ضروری و حیاتی است.

بانک جهانی سناریوهای مختلفی برای اصلاح حامل های انرژی مطرح نموده که مقبول ترین سناریو اصلاح سریع ۲ تا ۳ ساله قیمت ها و برنامه های جبرانی ۵ تا ۷ ساله می باشد.

گام های بعدی حمایت از بازرگانی و سرمایه گذاری در راستای توسعه توان رقابت پذیری است. در مسیر این حرکت اقداماتی به شرح زیر ضرورت می یابد:

- اصلاح نظام تعرفه ای و کاهش تعرفه ها تا میزان ۱۵ درصد
- اصلاح نظام موانع فنی و بازرگانی
- آزاد سازی بخش های مالی (بانک ها و بیمه ها) و خروج از اقتصاد بسته

- بازگرداندن دیون دولت به نظام بانکی برای بهبود وضعیت آنها
حرکت زیربنایی دیگر بهبود وضعیت شرایط بخش خصوصی است. برای این منظور باید
فعالاً بخش دولتی به کار خود ادامه دهد ولی بخش خصوصی نیز توسعه یابد و مدتی در
کنار هم کار کنند.

خصوصی سازی برنامه ریزی شده بخش دولتی اقتصاد از وظایف دیگر دولت است. در
این راستا بخش دولتی باید اقداماتی شامل بهبود مدیریت، دسته بندی زیر مجموعه ها و
خصوصی سازی قدم به قدم از واحدهای سود ده را آغاز کند.
همچنین دولت باید در راستای اقدامات زیر به منظور توسعه بخش خصوصی حرکت
نماید:

- ایجاد شرایط و فرصت های مشابه بخش دولتی در دستیابی به اعتبارات داخلی و
خارجی

- شرایط مالیاتی یکسان و حذف امتیازات بخش دولتی

- شرایط یکسان در دستیابی به بازارها

- ایجاد مقررات ضد تراست

- اصلاح قوانین کار

- اصلاح قوانین تجاری

- اصلاح نهادهای مالی

**بنیان نهادن و تکمیل صنایعی که می تواند اقدامات زیربنایی انجام شده در
کشور را از قوه به فعل برساند و موجبات تحقق رشد بالاتر اقتصادی را طی
برنامه پنجساله چهارم امکانپذیر نماید.**

نیم قرن تلاش در جهت صنعتی کردن کشور با فراز و نشیب های بسیاری همراه بوده
است. توسعه آموزش عمومی و عالی، بهداشت، مخابرات، شبکه های برق، نفت و گاز،
آب و فاضلاب، راه آهن، بنادر و فرودگاهها و احداث ظرفیت های صنعتی قابل توجه در
حوزه های مختلف صنایع سنگین، پتروشیمی، فلزات اساسی، کشاورزی، حمل و نقل،
ساخت تجهیزات، ماشین سازی، ساختمان، لوازم خانگی، الکترونیک و مصرفی بخشی از

دستاوردهای دولت ها و ملت ایران در راه صنعتی کردن کشور است. در همین حال مشکلات و مسائلی مانند بیکاری و ایجاد اشتغال، بالا بودن تورم، پایین بودن درآمد سرانه، نبود زمینه جذب سرمایه ها، پایین بودن رتبه فضای کسب و کار، رقابتی نبودن بازارهای کار و سرمایه و پایین بودن بهره وری از یک سو و تحولات جهانی در جهت یکپارچه شدن بازارها و جهانی شدن فرآیندهای تولید و رویدادهای منطقه ای سبب گردیده است که کشور در شرایط بسیار حساسی قرار گیرد.

در این مقطع زمانی حفظ مصالح ملی حکم می کند که تجارب و دستاوردهای گذشته مورد توجه جدی قرار گیرد و بر آنچه در گذشته ساخته ایم، آینده را بنا کنیم. متأسفانه ما در هنر تداوم راه گذشتگان خود و البته همراه با بهبود و اصلاح آن، مهارت کافی و شاید اعتقاد و باور لازم را نداریم و به همین سبب تاریخ ایران زمین با انقطاع متعدد و حرکت دوباره از نقطه صفر مواجه بوده است که این امر در عمل امکان انباشت سرمایه ملی، اجتماعی و انسانی را فراهم نیاورده است.

تداوم راه گذشتگان به معنای مدنظر قراردادادن سرمایه های عظیم ملی است که در این راه صرف شده و بالاترین رقم هستی ما را تشکیل می دهد. در این راستا بخش عظیمی از ثروت و سرمایه ملی ما مصروف آموزش، تربیت و تجربه اندوزی کارشناسان، مدیران و راهبران بخش عمومی و دولت گردیده است که در ایجاد ساختارهای زیربنایی و دستیابی به این دستاوردها مؤثر بوده اند و به قیمتی گزاف تجارب ارزشمندی در حوزه اقدامات اجرایی و عملیاتی به دست آورده اند و در عمل تأثیرات سوء مداخلات اداری در اقتصاد و همچنین ثمرات مثبت و ملموس آزادسازی اقتصاد را تجربه و درک کرده اند.

آگاهان به امر توسعه بر این باورند که بدون ایجاد و تحکیم زیربناها، بستر توسعه آماده نمی شود. اگرچه نمونه هایی از این پدیده ها را می توان در تاثیر توسعه انرژی برق بر صنعتی شدن کشور و رشد صنایع و یا تاثیر سدسازی و مهار آبها بر توسعه و رونق کشاورزی و یا احداث کارخانه های متعدد فولاد و سیمان بر توسعه کمی و کیفی صنعت ساختمان مشاهده نمود، ولی با این حال در زمینه اقدامات فیزیکی و عملیاتی هنوز اجرای پروژه های عدیده ای در کشور امکانپذیر است که بر این پایه می توان کمکهای ارزنده ای را در جهت حل مشکل اشتغال و توسعه درآمد ملی معمول داشت. در این

زمینه می توان به تأسیس کانالهای آب رسانی بعد از ساختن سدها و توسعه چشمگیر اگرواینداستری (واحدهای کشت و صنعت)، توسعه صنعت اشتغال زا و سودآور حمل و نقل با بهره گیری از راهها و راه آهن کشور - انواع صنایع پایین دستی نفت، گاز و پتروشیمی - صنایع سیمان - صنعت فولاد و سایر فلزات - و استفاده از نیروی پرارزش انسانی آموزش دیده و ... اشاره نمود.

تشکل گرایی و مشارکت در نظام تصمیم گیری صنعتی کشور

یکی از هدفهای مشخص و برخاسته از هدفهای کلان کیفی در برنامه دوم، گسترش مشارکت عامه مردم در فعالیتهای اقتصادی و نظارت بر عملکرد این فعالیت ها بوده است. در چارچوب بخش صنعت، این هدف به صورت گسترش مشارکت عامه مردم در فعالیتهای صنعتی و نظارت بر عملکرد بخش صنعت متبلور می شود. سیاستهایی که میتواند در راه رسیدن به این هدف به کار گرفته شود، بطور خلاصه شامل موارد زیر است:

الف: حمایت از ایجاد تشکلهای صنعتی به منظور؛

- بالا بردن کارآیی تصمیم گیریهای اقتصاد،
- حمایت از منافع حرفه ای صنایع، و

- بالا بردن بازدهی خدمات دریافتی صنایع از دولت و بخش دولتی.

ب: تشویق فعالیتهای اقتصادی به ایجاد تشکلهای حرفه ای با هدف؛

- مشخص کردن جایگاه هر یک از بخشهای تولیدی در اقتصاد ملی،
- بهره گیری از مزایای ناشی از بزرگ شدن مقیاس فعالیت، و
- راهیابی به بازارهای بین المللی برپایه برخورداری از قدرت رقابت.

پ: واگذاری فعالیتهای اقتصادی در کلیه زمینه های کارفرمایی به بخش خصوصی با هدف؛

- بالا بردن کارآیی از راه به وجود آوردن زمینه های رقابت،
- به وجود آوردن انگیزه فعالیت اقتصادی برای عامه مردم،
- سوق دادن درصد بزرگتری از منابع پس اندازی عامه مردم به جانب فعالیتهای اقتصادی،

- شفاف کردن عملیات اقتصاد، و
- کاهش موارد مداخله های غیراقتصادی در فعالیتهای اقتصادی.
- ت: بکارگیری نیروهای لایق، امین و متعهد برای نظارت مستمر بر اجرای برنامه های صنعتی و جلوگیری از اعمال سلیقه فردی با هدف؛
- کارآمد کردن تصمیم گیریهای صنعتی،
- متکی کردن بخش صنعت به یک نظام کارفرمایی کارآفرین، و
- جلوگیری از اتلاف منابع مادی، طبیعی و انسانی برخاسته از ناهماهنگیهای مدیریتی و برنامه ای.

از دیدگاه تاریخی، تشکلهای ایجاد شده در زمینه فعالیتهای اقتصادی در بیشتر موارد در تصمیم گیریهای اقتصادی به صورت نشان دادن واکنش در برابر آن دسته از فعالیتهای دولت بوده است که بخش خصوصی نسبت به آن رغبت نداشته است. به این ترتیب، حضور بخش خصوصی در تشکلهای و در تصمیم گیریها ماهیت دفاعی داشته است، نه آنکه بخواهد خود بر سرنوشت خویش حاکمیت داشته باشد.

در طول سالها ورود بخش خصوصی در پهنه اقتصاد کشور به صورت عامل دنباله روی دولت بوده است. هر جا که دولت زمینه را مساعد می ساخته، بخش خصوصی در زیر حمایت دولت به فعالیت می پرداخته است. این رویه فعالیت اگر چه در دوره های رونق اقتصاد به دلیل وفور منابع مالی دولتی، ثبات و امنیت برای بخش خصوصی به بار آورده است، در دوره های کمبود منابع و بحران اقتصادی، نظام تصمیم گیری درون سازمانی را در بخش خصوصی به کلی مخدوش ساخته است. بعنوان مثال در موارد متعدد دولت قوانین را تغییر داده یا عطف به ماسبق نموده است و بخش خصوصی از این بابت بسیار زیان دیده است، درحالیکه ساخت فعالیتی بخش چنان نبوده است که بتواند به موقع نسبت به اقدامهای ناپرازنده واکنش نشان دهد.

بطور خلاصه در مقابله با آسیبهای احتمالی، بخش خصوصی پیوسته با حالت دفاعی در اقتصاد کشور حضور یافته است. بنابراین هر زمان که شدت زیانهای ناشی از تصمیم گیریهای بدون مقدمه دولت گسترده بوده است، بخش خصوصی به صورت جمعی مخالفت نموده است. در مواردی هم این مخالفتها به تغییر وضع انجامیده است.

بنابراین به نظر می‌رسد که زیانهای وارد آمده بر اقتصاد کشور در نتیجه سیاست
گذاریهای اقتصادی برای بخش خصوصی بدون دخالت دادن بخش بر سرنوشت خود،
آنقدر زیاد باشد که بازنگری رابطه سازمانی بین دولت و بخش خصوصی در اقتصاد ملی
را عقلایی نماید.

اشتغال ، توسعه ، رفاه

نمره سرمایه گذاری و تلاش کار آفرینان و صنعتگران

محسن خلیلی

رئیس کنفدراسیون صنعت ایران و

انجمن مدیران صنایع

بزرگداشت روز صنعت و معدن

تیر ماه ۱۳۸۴



انجمن مدیران صنایع



کنفدراسیون صنایع ایران



وزارت صنایع و معادن